

«مقاله پژوهشی»

دگرگونی عدلیه کرمان در عصر مشروطیت

۱۳۲۴-۱۳۴۴ق/۱۳۰۴-۱۳۸۵ش

فرهاد دشتکی‌نیا*

استادیار گروه تاریخ، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران

تاریخ دریافت: (۱۴۰۰/۰۴/۱۷) تاریخ پذیرش: (۱۴۰۰/۰۵/۰۲)

Transformation of Kerman Judiciary in the era of constitution 1906-1925

Farhad dashtakinia*

Assistant professor, Department of History, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

Received: (08-07-2021)

Accepted: (07-08-2021)

Abstract

With the establishment of the constitutional system, changes were made in some elements of the Iranian bureaucracy. The Iranian judiciary was not excluded from those changes, and with the passage of the constitutional amendment, the new order that was being established was affected. One of the branches of the judiciary that changed under the new order was the state judiciary. Kerman province was one of the first states in which a new judiciary was formed after the constitutional revolution. The present study aims to answer this question with the method of historical studies and descriptive-analytical approach while studying the comparative study of the judicial formations of Kerman in the period before and after the constitutional revolution. Findings show that the constitutional revolution based on the law establishing the Supreme Justice caused changes in the judiciary, organizational structure, judicial arrangements, and financial resources of the Kerman judiciary. Based on the documents of the National Archives of Iran, private archive documents, unpublished documents of the British Consulate in Kerman, newspapers, and first-hand sources, this study intends to explain and evaluate the impact of the Constitutional Revolution on part of the Iranian bureaucracy in the states.

Keywords: Qajarid, Bureaucracy, Judiciary, Constitutional Revolution, Kerman, Kerman justice.

چکیده

با استقرار نظام مشروطه دگرگونی‌هایی در برخی از ارکان دیوانسالاری ایران ایجاد شد. تشکیلات قضایی ایران از آن دگرگونی‌ها برکنار نماند و با تصویب متمم قانون اساسی از نظم جدیدی که در حال استقرار بود، تأثیر پذیرفت. یکی از بخش‌های تشکیلات قضایی که بر پایه نظم جدید دچار تغییر شد، عدلیه ایالات بود. ایالت کرمان یکی از نخستین ایالت‌هایی بود که عدلیه نوین پس از انقلاب مشروطیت در آن شکل گرفت. پژوهش حاضر می‌کوشد با روش مطالعات تاریخی و رویکرد توصیفی - تحلیلی ضمن مطالعه تطبیقی تشکیلات عدلیه کرمان در دوره پیش و پس از انقلاب مشروطیت به این پرسش پاسخ دهد که: روند دگرگونی تشکیلات عدلیه ایالت کرمان در عصر انقلاب مشروطیت چگونه بود؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که انقلاب مشروطیت، بر مبنای قانون عدلیه اعظم، مرجعیت قضایی، ساختار تشکیلاتی، ترتیبات دادرسی و منابع مالی تشکیلات عدلیه کرمان را دگرگون کرد. این پژوهش قصد دارد بر پایه اسناد سازمان اسناد ملی، اسناد آرشیوهای خصوصی، اسناد منتشر نشده کنسولگری انگلستان در کرمان، روزنامه‌ها و منابع دست‌اول، تأثیر انقلاب مشروطیت بر تشکیلات قضایی ایران را در ایالات با تأکید بر ایالات کرمان تبیین و ارزیابی کند.

واژه‌های کلیدی: قاجاریه، دیوانسالاری، تشکیلات عدلیه، انقلاب مشروطیت، کرمان، عدلیه کرمان.

مقدمه

دیوانسالاری ایران در عهد قاجاریه دو مسیر موازی را طی کرد. بخشی از دیوانسالاری قاجارها در تداوم دیوانسالاری کهن ایران بود که شکل تکامل‌یافته آن در ایران پس از اسلام در دیوانسالاری صفویه تبلور یافته بود. قاجارها در بخش سنتی ساختار اداریشان از دیوانسالاری صفویه الگوبرداری کردند. به موازات آن، بخشی از دیوانسالاری ایران در عهد قاجار نیز از تحولات و اصلاحات دوره قاجاریه تأثیر پذیرفت و تغییراتی را تجربه کرد. یکی از اجزاء آن ساختار اداری که توأمان هم سنت دیوانی کهن در آن استمرار یافت و هم از تحولات و اصلاحات دوره قاجاریه تأثیر پذیرفت، نظام قضایی ایران و تشکیلات عدلیه بود.

با دگرگونی در تشکیلات قضایی، خصوصاً در عهد ناصری، تشکیلات عدلیه ایالات نیز که مینیاتوری از تشکیلات کلان قضایی ایران بود، تغییر را تجربه کرد. این تغییرات به تدریج از اوایل عهد ناصری آغاز و تا انقلاب مشروطیت استمرار داشت. با وقوع انقلاب مشروطیت و تدوین و تصویب قانون اساسی و متمم قانون اساسی، روند دگرگونی در تشکیلات قضایی به‌طور عام و عدلیه ایالات به‌طور خاص نسبت به دوره پیش از مشروطیت شتاب گرفت و دامنه وسیع‌تری یافت. یکی از ایالت‌هایی که نخستین عدلیه نوین در دوره پس از انقلاب مشروطیت در آن تأسیس شد ایالت کرمان بود.

پژوهش حاضر می‌کوشد با مقایسه تشکیلات عدلیه کرمان در دوره‌های پیش و پس از انقلاب مشروطیت، این موضوع را با تأکید بر این پرسش‌ها مورد مطالعه قرار بدهد که: روند دگرگونی تشکیلات عدلیه کرمان پس از انقلاب مشروطیت چگونه بود؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد با تصویب قانون تشکیلات عدلیه اعظم، عدلیه نوین در ایالت کرمان تشکیل شد، مرجعیت قضایی از والی‌گری کرمان به وزارت عدلیه انتقال یافت، ساختار تشکیلاتی نوین بر پا گشت، ترتیبات دادرسی تازه‌ای استقرار یافت، و برای نخستین‌بار تشکیلات قضایی کرمان صاحب بودجه شد. این موضوع به روش مطالعات تاریخی و با رویکرد توصیفی-

تحلیلی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. شیوه گردآوری داده‌های پژوهش، اسنادی و کتابخانه‌ای، و منابع اصلی پژوهش، اسناد سازمان ملی ایران، اسناد آرشیوهای خصوصی، اسناد منتشرنشده کنسول‌گری انگلستان در کرمان و منابع دست‌اول است. هدف پژوهش بررسی تأثیر انقلاب مشروطیت بر بخشی از دیوانسالاری ایران در ایالات است.

بررسی ادبیات پژوهشی موضوع حاضر نشان می‌دهد که عدلیه کرمان در عصر قاجاریه مورد عنایت تعدادی از محققان قرار گرفته است. سید محمد طیبی در کتاب نظام قضایی و آیین دادرسی ایران: از افشاریه تا انقلاب مشروطه به برخی از اصلاحات در تشکیلات قضایی کرمان در دوره پیش از انقلاب مشروطیت توجه کرده است (طیبی، ۱۳۸۸: ۳۹۲). محمدابراهیم باستانی پاریزی در هشت‌الهیفت به تأسیس عدلیه نوین کرمان اشاره کرده است (باستانی پاریزی، ۱۳۷۰: ۳۶۱-۳۶۰). او همچنین در کتاب هزارستان زندگی‌نامه شیخ‌الملک سیرجانی - بنیانگذار عدلیه نوین کرمان - را نوشته است (باستانی پاریزی، ۱۳۸۲: ۳۹۲-۳۹۴). ویلم فلور و امین بنانی در کتاب قضایی عصر قاجار و پهلوی آماری از اعضای محاکم عدلیه نوین کرمان در دوره پس از انقلاب مشروطیت ارائه کرده‌اند (فلور و بنانی، ۱۳۹۰: ۵۱). مجید نیک‌پور در کتاب نام‌آوران علم و اجتهاد کرمان: از قاجاریه تا پهلوی تعدادی از حاکمان شرع کرمان در دوره پیش از انقلاب مشروطیت را معرفی کرده است (نیک‌پور، ۱۳۸۳: ۲۱۶-۲۱۵). محمود همت کرمانی نیز در کرمان شهر شش-دروازه محاکم شرع کرمان در دوره پیش از مشروطیت را مورد توجه قرار داده است (همت کرمانی، ۱۳۵۵: ۳۴). افزون بر آن، تعدادی از محققان، عدالتخانه و وزارت عدلیه در عصر قاجار و مشروطیت را نیز مورد بررسی قرار داده‌اند که از جمله می‌توان به پژوهش حجت فلاح توتکار در مقاله «عدالتخانه دولتی: وزارت عدلیه یا مجلس شورای ملی» اشاره کرد که با نگاهی انتقادی به پژوهش‌های پیشین، معنا و مضمون عدالتخانه دولتی را بررسی کرده است و معتقد است مراد مشارکت‌کنندگان در انقلاب مشروطیت از عدالتخانه،

و مجتهد تراز اولی در کرمان حضور داشت الزاماً محکمه شرع برپا کند. برخی از علما از پذیرش مسند قضاوت و برپایی محکمه شرع پرهیز داشتند و در حل و فصل مرافعات و مشاجرات مردم دخالت نداشتند. استدلال آن گروه از علما و مجتهدان در عدم پذیرش مسند قضاوت این بود که «ترویج شرع موکول به بسط ید است.» (وزیری کرمانی، ۱۳۸۳: ۱۳۱ و ۱۳۳)، و چون فاقد بسط ید بودند و یا مایل به فرار گرفتن در معرض آن نبودند، از پذیرش مسند قضا امتناع می‌کردند. در مقابل، برخی از محاضر شرع کرمان موروثی بود. قاضی شهر بم در سال ۱۲۹۱ ق که از سادات بم نیز بود «خلفاً عن خلف قاضی بوده‌اند.» (همان: ۱۹۰). محاکم شرع کرمان را دو گروه از علما در اختیار داشتند: دسته اول علمایی بودند که منصب دیوانی داشتند و افزون بر منصبشان به مرافعات شرعی نیز رسیدگی می‌کردند. در بین این گروه، «ملاباشی»، «شیخ‌الاسلام» و «امام‌جمعه» حضور داشتند (کتابچه اسناد «امور کرمان و بلوچستان در دوره حکومت ناصرالدوله»، مجموعه آلبوم‌های بیوتات سلطنتی، سازمان اسناد ملی ایران: آلبوم شماره ۲/۵۱۷). امر قضاوت غیر از شیخ‌الاسلام، از ملزومات منصب ملاباشی و امام‌جمعه نبود، اما در مواردی این دو منصب به امور قضایی نیز رسیدگی می‌کردند (وزیری، ۱۳۸۳: ۱۳۶). درباره امام‌جمعه نیز قضاوت جزء وظایف او نبود، اما برخی از امامان جمعه کرمان محکمه شرع برپا کرده بودند و در مواردی از دادرسی‌ها نیز که در حوزه اختیارات محاکم عرف بود، اگر پرونده‌ای شرایط پیچیده می‌یافت و یا یکی از طرفین دعوا از مقامات شهری بود، حاکم شهر که ریاست محکمه عرف را نیز بر عهده داشت، پرونده را به امام‌جمعه ارجاع می‌داد (کتابچه اسناد «امور کرمان و بلوچستان در دوره حکومت ناصرالدوله»، از مجموعه آلبوم‌های بیوتات سلطنتی، سازمان اسناد ملی ایران: آلبوم شماره ۲۲۴/۷-۵۱۷). برخلاف این گروه از علمای صاحب مقام دیوانی، علمای گروه دوم یعنی مجتهدان و عالمان شهر، حرفه‌شان قضاوت بود و در دوره قاجار محکمه شرعشان در کرمان برپا بود.

تأسیس مجلس شورای ملی بود (فلاح توتکار، ۱۳۸۸: ۱۱۱-۱۲۴). رضا پورحسین چراغی نیز در مقاله «نظام قضایی در عصر ناصری با تأکید بر صندوق عدالت و کارکرد آن» یکی از مهم‌ترین گام‌های اصلاحی دولت قاجار در دوره قبل از مشروطیت در تشکیلات قضایی را بررسی کرده است (رضا پورحسین چراغی، ۱۳۹۶: ۱۰۱-۸۸). پژوهش حاضر می‌کوشد ضمن بهره بردن از تحقیقات پیشین و در ادامه آن پژوهش‌ها تشکیلات عدلیه کرمان را در دوره پس از انقلاب مشروطیت از دریچه تأثیر انقلاب مشروطیت بر آن مورد مطالعه و ارزیابی قرار دهد. برای نیل به این مقصود، موضوع حاضر بدین ترتیب صورت‌بندی می‌گردد: در ابتدا تشکیلات عدلیه کرمان در دوره پیش از مشروطیت مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس تأسیس عدلیه نوین در کرمان و ساختار آن مطالعه می‌شود و سرانجام با مقایسه آن دو، دگرگونی‌های صورت‌گرفته بررسی و ارزیابی می‌شود.

۱. تشکیلات عدلیه کرمان پیش از انقلاب مشروطیت

تشکیلات قضایی کرمان پیش از مشروطیت الگو گرفته از تشکیلات قضایی مستقر در پایتخت بود. ضرورت‌ها و اقتضائات محلی از قبیل حضور اقلیت‌های دینی و مذهبی و نیز حضور فرنگی‌هایی مانند اعضای کنسول‌گری‌ها و بازرگانان هندی در کرمان تفاوت‌های اندکی را میان تشکیلات دادرسی کرمان با تشکیلات قضایی برخی از ایالات موجب شده بود، اما شالوده دستگاه قضایی کرمان با تشکیلات قضایی سایر ایالات تفاوت معناداری نداشت. ساختار دوگانه محاکم شرع و محاکم عرف در ایران، هر دو در کرمان پیش از مشروطیت نیز وجود داشت.

محاکم شرع

محاکم شرع به‌عنوان تجلی اراده شرع در جامعه، یکی از ارکان تشکیلات قضایی کرمان در دوره پیش از مشروطیت بود. آن محاکم در انحصار مجتهدان و علما قرار داشت. قاعده مضبوط و نهادینه‌شده‌ای وجود نداشت که اگر عالم

دومین مقام قضایی در محاکم عرف کرمان بود (روزنامه وقایع اتفاقیه، پنجشنبه ۲۸ شوال ۱۲۶۹، نمره ۱۳۱: ۴). از وظایف قضایی او دادرسی عمومی و شنیدن شکایات دادخواهان و فیصله امور آنها بود. او می‌توانست دستور بازداشت صادر کند (براون، ۱۳۸۶: ۴۶۱)، و بر عملکرد کدخدای محلات که مسئولیت قضایی نیز داشتند نظارت داشته باشد. (روزنامه دولت علیه ایران، پنجشنبه ۹ جمادی‌الاول ۱۲۷۷، نمره ۴۷۹: ۶).

داروغه و کلانتر کرمان نیز در مراحل دادرسی نقش داشتند. داروغه امور قضایی بازار را در اختیار داشت و در چهارسوق بازار کرمان می‌نشست. (مستوفی کرمانی، ۱۳۹۳: ۶۸). کلانتر ضابط قضایی بود و در تمامی مراحل دادرسی از محاکمه تا اجرای حکم حضور داشت. بازداشت متهم و اجرای حکم نیز برعهده او بود (کتابچه اسناد «امور کرمان و بلوچستان در دوره حکومت ناصرالدوله»، از مجموعه آلبوم‌های بیوتات سلطنتی، سازمان اسناد ملی ایران: آلبوم شماره ۲/۵۱۷؛ روزنامه ایران، یکشنبه ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۳۰۷ ه.ق، نمره ۷۰۴: ۳). در نظام محله‌ای شهرهای ایران در دوره قاجار کدخدایان محله‌ها نیز وظایف قضایی داشتند. مهم‌ترین وظیفه قضایی کدخدایان محلات در کرمان تحقیق و تفحص و بازداشت مجرمان و تحویل آنان به دستگاه حکمرانی کرمان بود. آنان همیار حکمرانی کرمان و ضابط قضایی حکمرانی کرمان در محلات بودند و وظیفه آنها مربوط به پیش از محاکمه و مجازات مجرمان بوده است. آنها عمدتاً مسئول تحقیق درباره سرقت‌هایی بودند که در محله اتفاق می‌افتاد (روزنامه وقایع اتفاقیه، پنجشنبه ۲۹ صفرالمظفر ۱۲۷۰، نمره ۱۴۸: ۵).

از مختصات محکمه عرف در کرمان که بر مبنای اقتضائات محلی شکل گرفته بود، وجود مقاماتی در شهر بود که مسئولیت قضایی داشتند، و اختیاراتشان در حوزه محکمه عرف نیز تعریف می‌شد، اما منصوب حکمران کرمان نبودند. در بین آنها کنسول انگلستان شاخص‌ترینشان بود. او به شکایت‌هایی رسیدگی می‌کرد که اتباع او علیه کسی اقامه دعوا می‌کردند. در میان اتباع انگلستان در کرمان هندوها در

وظایف محاکم شرع، دادرسی در امور دعاوی خانوادگی، دعاوی ملکی، معاملات ملکی، مهور شدن مصالحه‌نامه، راهزنی، سرقت و مقابله با فروش مسکرات بود (روزنامه ایران، دوشنبه ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۲۸۸، نمره ۳۱: ۳؛ رساله کاتب کرمانی، ۱۳۸۶: ۲۲۳-۲۲۲). دعاوی ملکی از مواردی بود که ظرفیت مخدوش کردن مرزهای معمول در محاکم عرف و شرع را داشت. در این دعاوی اگر طرفین دعوا از علما بودند پای محاکم عرف به میان می‌آمد و محاکم عرف نیز به دلیل حساسیت‌های موجود در این پرونده‌ها می‌کوشید پرونده‌ها سرانجام با حکم همان محاکم شرع که در دست علما بود فیصله یابد (نامه وزارت جلیله عدلیه عظمی به جناب عمده‌الامرا العظام وکیل‌الملک، ۱۲۹۵ ق، سازمان اسناد ملی ایران).

محکمه عرف

محکمه عرف به‌مثابه تجلی اراده دولت در دادگستری در کرمان نیز برپا بود. در رأس محکمه عرف والی کرمان قرار داشت و یکی از وظایف او دادرسی بود (روزنامه وقایع اتفاقیه، پنجشنبه ۲۸ شوال ۱۲۶۹، نمره ۱۳۱: ۴). او از طرف شاه نماینده عرف بود و قواعد عرفی و شرعی را اجرا می‌کرد (فرمانفرما، بی تا: ۷۷). والی در عرصه نظر اختیار تام در امور قضایی عرفی داشت، اما در عمل اغلب به جرائم بزرگ و مهم رسیدگی می‌کرد. دعوای بسیار مهم چه از لحاظ مبلغ و یا شأن مدعیان به او رجوع می‌شد. او مختار بود هر نوع حکمی بدهد به‌استثنای حکم قتل که مختص شخص پادشاه و یا یکی از شاهزادگان بود. تا سال ۱۲۹۶ ق که شاهزاده فیروز میرزا نصرت‌الدوله به حکومت کرمان رسید، حکام کرمان نمی‌توانستند مقصر را مجازات کنند. آنان ناچار به دارالخلافه اطلاع می‌دادند، هر چه از تهران حکم می‌شد به همان صورت عمل می‌کردند. در کرمان اولین بار فیروز میرزا بدون دستور تهران آدم خودش را در راه ورود به کرمان مجازات کرد (همان: ۷۱ و ۷۷). افزون بر والی، تعدادی از مناصب محلی نیز اختیارات و وظایف قضایی داشتند و در امور دادرسی نقش ایفا می‌کردند. نایب‌الحکومه کرمان،

امور پدید آمد. کرمان نیز از این وضعیت عمومی در امان نماند. دو سال پس از وقوع انقلاب مشروطیت، انجمن ایالتی کرمان که نماینده انقلابیون کرمان بود در گزارش‌هایی متعدد به مجلس شورای ملی اول و دوم و نیز به وزارت داخله، درباره اوضاع آشفته و هرج و مرج جنوب شرق ایران و به‌ویژه کرمان هشدار دادند و خواهان رسیدگی سریع به وضعیت کرمان شدند. آن‌ها در گزارش‌ها بر سه مسئله فوری تأکید داشتند: برقراری امنیت در کرمان و حومه، رسیدگی به وضعیت هرج و مرج مالی، و رسیدگی به بی‌قانونی‌های عدلیه (نامه انجمن ایالتی کرمان به وزارت داخله، ۱۳۲۸ ق، سازمان اسناد ملی، محل در آرشیو: ۸۲۲ ط ۱ ب آ) وجود چنین زمینه‌ای در کرمان ایجاب می‌کرد تا در کرمان نیز عدلیه جدید تأسیس شود.

تأسیس عدلیه نوین در کرمان

نام تشکیلات عدلیه نوین کرمان «دیوانخانه عدلیه کرمان» بود (نامه دیوانخانه عدلیه کرمان به وزارت عدلیه، ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۸ ق، شماره نامه: ۴۴۷، سازمان اسناد ملی ایران). باستانی پاریزی نام عدلیه جدید کرمان را «عدلیه اعظم کرمان» ثبت کرده است (باستانی پاریزی، ۱۳۷۰: ۳۶۰). عدلیه کرمان در سال ۱۳۲۵ ق/ ۱۲۸۶ ش تأسیس شد (همان‌جا). درباره تاریخ دقیق تأسیس عدلیه جدید کرمان آنچه می‌دانیم این است که شیخ محمدحسن سیرجانی، ملقب به شیخ‌الملک، مؤسس عدلیه نوین کرمان، در سال ۱۳۲۵ ق مأمور تأسیس عدلیه در کرمان شده است. حکم او در دوره وزارت مهدیقلی‌خان هدایت، وزیر عدلیه اعظم، صادر شده است. او طبق حکم صادره، «به ریاست عدلیه و محاکمات تجارتنی ولایت کرمان» منصوب شده بود (تصویر حکم در همان: ۳۶۱). حکم شیخ‌الملک فاقد تاریخ است، از این رو، تعیین تاریخ دقیق تأسیس عدلیه کرمان دشوار است. باوجوداین، او در نامه‌ای که به تاریخ ۲۸ رجب ۱۳۲۶/۴ شهریور ۱۲۸۷ ش درباره رسیدگی به اختلاف زرتشتیان و متشرعه کرمان نوشته است اشاره دارد که جهت «تشکیل دیوانخانه عدلیه به این ولایت آمده و

اکثریت بودند. آن‌ها هرگونه مرافعه و ادعایی علیه کسی داشتند، به کنسولگری انگلستان مراجعه کرده و شکایتشان را در آنجا مطرح می‌کردند (صنعتی‌زاده کرمانی، بی‌تا: ۱۶۳-۱۶۲). کنسولگری انگلستان محاکمه و مجازات خدمه کنسولگری را نیز در محل کنسولگری انجام می‌داد (سایکس، ۱۳۹۵: ۱۲۷). رسیدگی به امور قضایی اتباع خارجه در کرمان افزون بر کنسولگری انگلستان و گاه حاکم کرمان، جزء وظایف «کارگزاری مهم امور خارجه» در کرمان نیز بود (اردلان، ۱۳۸۳: ۱۵۸).

قلمرو قضایی محکمه عرف کرمان در دوره پیش از مشروطیت گسترده بود و افزون بر شهر کرمان و ولایات تابعه، یزد و سیستان و بلوچستان را نیز شامل می‌شد. در دوره‌ای که حکومت کرمان و یزد به یک نفر واگذار می‌شد و نایب‌الحکومه کرمان اداره یزد را برعهده داشت، حاکم کرمان علاوه بر رسیدگی به امور محکمه عرف کرمان، به پرونده‌های قضایی یزد نیز رسیدگی می‌کرد (روزنامه وقایع اتفاقیه، پنجشنبه ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۲۷۰، نمره ۱۶۳: ۳). بلوچستان نیز جزء قلمرو ایالت کرمان بود و امور قضایی آن سامان نیز برعهده حاکم کرمان بود (اسناد «تأمین مجلدات قانونی وزارت عدلیه با توزیع در بلوچستان و کرمان»، سازمان اسناد ملی ایران، محل در آرشیو: ۲۹۸۸۹۰۸۹).

از بررسی محاکم کرمان در دوره پیش از مشروطیت چنین تصویری به دست می‌آید: الف. محاکم فاقد تمرکز بودند و در زیر مجموعه محکمه عرف، مناصب گوناگونی به امر دادرسی می‌پرداختند؛ ب. محاکم عرف و شرع فاقد انسجام تشکیلاتی و قائم به فرد بودند؛ فرد بر ساختار برتری داشت. عالم محکمه شرع و حکمران کرمان با وجود آن‌که همیاران قضایی داشتند، دو عنصر تعیین‌کننده در روند دادرسی بودند؛ ج. دادرسی فاقد ترتیبات بود.

۲. انقلاب مشروطیت و تشکیل عدلیه نوین در کرمان

با وقوع انقلاب مشروطیت دگرگونی‌هایی در ساختار سیاسی و دیوانی ایران ایجاد شد. تا استقرار و تثبیت ساختار جدید، آشفتنگی، هرج و مرج و بی‌قاعدگی‌هایی در

شعبه عدالتخانه را در دارالامان دایر نموده است» (تصویر نامه در همان: ۳۶۳). بنابراین، آنچه مشخص است این است که عدلیه کرمان در فاصله نیمه دوم سال ۱۳۲۵ ق/ ۱۲۸۶ ش و نیمه اول سال ۱۳۲۶ ق/ ۱۲۸۷ ش تأسیس شده است.

ساختار عدلیه نوین کرمان

الگوی تشکیلات عدلیه‌ای که شیخ‌الملک در کرمان تأسیس کرد مطابق با ساختاری بود که پس از مشروطیت در «عدلیه اعظم» بنا نهاده شده بود. با تصویب قوانین جدید در مجلس شورای ملی و تکمیل قوانین در متمم قانون اساسی، تغییراتی در ساختار عدلیه اعظم انجام می‌شد و آن تغییرات در عدلیه ولایات و از جمله در عدلیه کرمان نیز بازتاب یافت.

در رأس عدلیه نوین کرمان رئیس عدلیه قرار داشت که از جانب وزیر عدلیه منصوب می‌شد (کرمانی، ۱۳۰۸: ۴۳). در انتصاب رئیس عدلیه ملاحظات گوناگونی وجود داشت و وزیر عدلیه در این انتصاب‌ها گاه از سوی برخی از کانون‌های قدرت در کرمان تحت فشار قرار می‌گرفت. در سال ۱۳۳۵ ق که محمدابراهیم معین‌الشریعه یکی از گزینه‌های اصلی ریاست عدلیه کرمان بود، با این مانع مواجه شد که «بزرگان شهر (بی‌تردید به تشویق حاکم) به وزیر عدلیه تلگراف زده و خواستار انتصاب مجدد رئیس قبلی [جلال‌الملک] شدند.» (یادداشت‌های هفتگی کنسولگری دولت فحیمه بریتانیا در کرمان، شماره ۲۵-۲۶، هفته منتهی به ششم اوگوست ۱۹۱۷ [۱۸ شوال ۱۳۳۵ ه.ق/ ۱۵ مرداد ۱۲۹۶]، ۴۳۷- پاراگراف مرج: ۴۲۴). افزون بر حاکم و بزرگان شهر، ملاحظات کنسول انگلستان نیز در انتصاب ریاست عدلیه کرمان بی‌تأثیر نبود. گویا بی‌میلی کنسول انگلستان به ریاست معین‌الشریعه در نمونه‌ای که اشاره شد در عدم انتصاب او به ریاست عدلیه بی‌تأثیر نبود (همان‌جا). طبق قوانین، رئیس عدلیه حق دخالت در روند دادرسی‌ها را نداشت و باید عنصری بی‌طرف می‌بود اما عملاً در برخی از پرونده‌ها مداخله می‌کرد و کار دادرسی را بغرنج و پیچیده می‌کرد (کرمانی، ۱۳۰۸: ۴۳). ریاست

عدلیه نوین کرمان از تأسیس تا انقراض مشروطیت به ترتیب با شیخ‌الملک سیرجانی (۱۳۲۷-۱۳۲۴ ه.ق)، صارم‌السلطان (۱۳۲۸-۱۳۲۷ ه.ق)، آصف‌الممالک (۱۳۳۲-۱۳۲۸ ه.ق)، غلامحسین‌خان عدالت‌السلطنه (۱۳۳۵-۱۳۳۲ ه.ق)، جلال‌الملک (۱۳۳۸-۱۳۳۵ ه.ق) و میرزا عبدالرحیم‌خان رهنما (۱۳۴۴-۱۳۳۸ ه.ق) بوده است (سازمان اسناد ملی ایران، محل در آرشیو: ۰۸۸۲۸۳ / ۲۹۸؛ سازمان اسناد ملی ایران، محل در آرشیو: ۰۸۹۰۵۶ / ۲۹۸؛ همان مجموعه، ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۸، شماره نامه: ۴۴۷؛ همان مجموعه، ۱۵ جمادی‌الآخر ۱۳۲۸، شماره نامه: ۳۴۳۴). پس از ریاست عدلیه، مقام دوم معاونت عدلیه کرمان بود که توسط رئیس عدلیه منصوب می‌شد (کرمانی، ۱۳۰۸: ۱۵).

پس از ریاست و معاونت، محاکم چهارگانه بود. کوچک‌ترین حوزه قضایی عدلیه نوین کرمان و نیز نخستین محکمه‌ای که طرفین دعوی به آن مراجعه می‌کردند، «محکمه صلحیه» بود. وظیفه و هدف این محکمه اصلاح ذات‌البین و رسیدگی به پرونده‌های مالی کمتر از دویست و پنجاه تومان بود (فلور و بنانی، ۱۳۹۰: ۵۱). اطلاعات درباره محکمه صلحیه عدلیه کرمان در دو دهه پایانی دولت قاجاریه محدود است. آنچه اسناد می‌گویند این است که در سال ۱۳۳۶ ق/ ۱۲۹۷ ش، محکمه صلحیه کرمان دو عضو داشت. ریاست محکمه با حاج سید جواد و دستیار و کارمند آن میرزا صادق بوده است (صورت اعضا و اجزاء عدلیه کرمان، ۱۳ حوت ۱۲۹۷، اسناد دفتر وزارت مالیه، سازمان اسناد ملی ایران، به نقل از: فلور و بنانی، ۱۳۹۰: همان‌جا). در سال ۱۳۰۲ ش تعداد اعضای محکمه صلحیه بخش کرمان به پنج نفر افزایش یافته بود. در همان سال اعضای محکمه صلحیه بم هفت نفر و سیرجان دو نفر بوده‌اند که بر این مبنا مجموع اعضای محکمه صلحیه در ایالت کرمان به چهارده نفر رسیده بود (همان: ۷۲).

پس از محکمه صلحیه، «محکمه بدایت» (= بدویه، ابتدایی) قرار داشت که اختیارات آن فراتر از محکمه صلحیه

خراسان، کرمان، گیلان و همدان وجود داشت و گاهی چند استان را شامل می‌شد. وظیفه آن، تجدیدنظرخواهی از محاکم پایین‌تر بود. در دعاوی کیفری با دیوان جنایت تشکیل جلسه می‌داد و همچنین تجدیدنظرخواهی از محاکم کیفری مادون را مورد استماع قرار می‌داد. اختیارات آن نیز تام بود از جمله اختیار رسیدگی به مجازات اعدام را نیز داشت (فلور و بنانی، ۱۳۹۰: ۵۲-۵۱). بر این اساس، کرمان در زمره هفت ایالتی بود که عالی‌ترین محکمه قضایی پس از دیوان عالی استیناف را داشت و از حوزه‌هایی قضایی با اختیارات وسیع به شمار می‌رفت.

محکمه استیناف در عدلیه کرمان موسوم به «اطاق استیناف» بود. این محکمه پس از صدور حکم در محکمه بدایت آن را بررسی می‌کرد که آیا رأی صادره مطابق قانون صادر شده است یا حکمی خلاف قانون صادر شده است. اما اطاق استیناف در عدلیه کرمان عملاً کارکرد دیگری یافته بود و به‌عنوان دادگاهی مافوق دادگاه بدویه، خود حکم صادر می‌کرد. در عدلیه کرمان، در صورتی که اعتراضی بر حکم صادره می‌شد، مسئول رسیدگی بدان دادگاه استیناف بود. اعضای محکمه استیناف، رئیس عدلیه کرمان، مدعی‌العموم، عضو فقیه محکمه بدویه و رئیس اجرائیه عدلیه بودند که درباره رأی نهایی تصمیم‌گیری می‌کردند و حکم محکمه بدویه را نقض و خود حکم صادر می‌کردند (کرمانی، ۱۳۰۸: ۵۱).

اختیارات، وظایف و موانع اجرائی عدلیه نوین کرمان وظایف و اختیارات عدلیه نوین کرمان بر پایه قانون عدلیه اعظم بود. اما در اجرای آن قوانین موانع عمده‌ای وجود داشت که ناشی از مختصات محلی ایالت کرمان خصوصاً در ارتباط با اقلیت‌ها و تقسیمات ایالتی بود. درباره وظایف و اختیارات عدلیه کرمان میرزا علی‌رضا خان عضدالملک، نایب‌السلطنه احمدشاه قاجار، در حکم انتصاب شیخ‌الملک به ریاست عدلیه کرمان در شعبان ۱۳۲۷ ه.ق حوزه اختیارات او را شامل دادرسی درباره «کلیه مظالم راجعه به دیوان عدالت عظمی و دعاوی متعلقه به حقوق و تجارت و جنبه و جنایات» می‌داند که موافق

بود و به امور حقوقی و کیفری رسیدگی می‌کرد و مرجع استینافی محکمه صلحیه شمرده می‌شد. محکمه بدایت، محکمه اصلی رسیدگی‌کننده به پرونده‌ها بود. قضات آنگاه استقلال فراوانی داشتند و آرای در این محکمه صادر می‌شد که مخالف رأی رئیس و معاون عدلیه کرمان بود. این امر در مواردی موجب انفصال از خدمت قضات این محکمه می‌شد (کرمانی، ۱۳۰۸: ۲۴). محکمه بدایت افزون بر رئیس محکمه (= قاضی)، از هیئتی تشکیل می‌شد که اعضای آن یک «فقیه»، یک «محرر»، یک «مستنطق»، «مدعی‌العموم» و دو عضو دیگر بود که در بررسی پرونده‌ها و آراء صادره نظر می‌دادند (همان: ۴۳ و ۷۲).

سومین محکمه عدلیه نوین کرمان «محکمه جنایی» بود. در دهه نخست پس از انقلاب مشروطیت نشانی از این محکمه در ساختار عدلیه نوین کرمان وجود ندارد. از این‌رو، به نظر می‌آید، در اواخر دوره قاجاریه در کرمان تأسیس شده است. محکمه جنائی کرمان چهار عضو داشت این محکمه سالی یک‌بار در فصل پاییز تشکیل می‌شد و در طی این مدت متهمان باید در حبس می‌ماندند. برگزاری سالانه این محکمه و توقیف طولانی مدت متهمان سبب شد عدلیه و نظمیه کرمان به وزارت داخله پیشنهاد بدهند که «برای عدم تجدید اعمال آن‌ها چنانچه تصویب فرمایند مشارالیهم را از شهر خارج نماید» (اسناد «بررسی استینافی توقیف اشخاص تحویل عدلیه کرمان توسط نظمیه»، سازمان اسناد ملی ایران: محل در آرشیو: ۲۹۸۸۹۶۵۸) و به این ترتیب قرار شد این متهمان با قرار وثیقه تا موعد تشکیل دادگاه در پاییز در شهر نباشند و از شهر کرمان خارج شوند منوط به این‌که از خاک ایالت کرمان خارج نشوند (همان).

سرانجام چهارمین محکمه، «محکمه استیناف» بود. پس از اصلاحات قضایی در سال ۱۳۲۹ ق/۱۲۹۰ ش و تشکیل محاکم جدید، عالی‌ترین مرجع قضایی «دیوان عالی استیناف (تمیز)» بود که صرفاً در تهران قرار داشت و اختیارات تام داشت. پس از آن «محکمه تجدیدنظر (استیناف)» قرار داشت که در تهران، آذربایجان، فارس،

اصل قانون اساسی از خصایص عدلیه دانسته به‌هیچ‌وجه از مفاد آن تخلف نورزند (رقم عضدالملک نایب‌السلطنه؛ انتصاب میرزا حسن‌خان شیخ‌الملک به ریاست عدلیه و تجارت فارس، تاریخ رقم: شعبان ۱۳۲۷ ه.ق، محفوظ در: آرشیو شخصی آقای مجید نیک‌پور)

در عرصه نظر، چنین اختیاراتی را برای رؤسای عدلیه در نظر گرفته بود، اما در عمل موانع جدی برای تحقق آن وظایف در کرمان وجود داشت. درباره دادرسی‌های اقلیتهای دینی و مذهبی ابهام درباره اختیارات عدلیه کرمان وجود داشت. این امر موجب شد عدلیه کرمان خواستار تعیین تکلیف دادرسی اقلیت‌های کرمان از وزارت عدلیه شود. وزارت عدلیه در پاسخ به حوزه اختیارات عدلیه کرمان در رسیدگی به پرونده‌ها وظیفه رسیدگی به دعاوی «امورات ملل متنوعه تبعه داخلیه کلیه راجع به محاکم عدلیه اعظم است و این مسئله به همین ترتیب در محاکم مرکزی جریان دارد.» (لایحه کسب تکلیف عدلیه کرمان از وزارت عدلیه، ۱۳۲۸ ق، مجموعه «مکاتبات و تلگرافات عدلیه اصفهان، یزد و کرمان»، سازمان اسناد ملی ایران، محل در آرشیو: ۲۹۸/۰۸۹۰۵۶).

مانع دوم ابهام در محدوده و قلمرو قضایی عدلیه نوین کرمان بود. بر اساس تصمیم وزارت عدلیه، رسیدگی به عرایض مردم در بیرون از شهر کرمان و حومه به اداره امنیه واگذار شده بود (نامه رئیس اداره استیناف کرمان به وزارت عدلیه، مجموعه «عملیات اجرائی امور عدلیه استان کرمان»، نمره ۹۶، سازمان اسناد ملی ایران، محل در آرشیو: ۲۹۸۸۹۶۷۱). این واگذاری اختیارات نگرانی‌هایی را در عدلیه کرمان درباره نوع و زمان دادرسی‌ها ایجاد کرده بود که از سوی رئیس استیناف عدلیه کرمان در نامه‌های متعدد بر آن تأکید می‌شد (همان مجموعه). درباره میزان و نوع مداخله اداره امنیه در امور قضایی میان مقامات قضایی کرمان و مقامات قضایی تهران اتفاق نظر وجود نداشت (همان مجموعه، «سواد مراسله امنیه به اداره عدلیه کرمان» ۲۹ ثور ۱۳۰۳؛ «نامه رئیس استیناف کرمان به وزارت عدلیه»، ۲۰ مهر ۱۳۰۴، مجموعه «عملیات اجرائی امور

عدلیه استان کرمان»، سازمان اسناد ملی ایران، محل در آرشیو: ۲۹۸۸۹۶۷۱). رئیس اداره امنیه کرمان با طرح مسئله کمبود نیروی انسانی از پذیرش مسئولیت سرباز زد (همان مجموعه، «سواد مراسله امنیه به اداره عدلیه کرمان»، ۲۹ ثور ۱۳۰۳). پاسخ نهایی را وزارت داخله داد که «نظامی‌ها وظایف دیگری دارند و نمی‌توانند در امور قضائی دخالت کنند.» (همان مجموعه، نامه وزارت عدلیه به رئیس استیناف کرمان، ۳۰ دی ۱۳۰۵) این نمونه‌ای از ابهام در وظایف و گستره قلمرو قضایی عدلیه کرمان بود که در کمبود نیروی انسانی بازتاب یافته است.

مانع دیگری که عدلیه کرمان در استفاده از اختیارات واگذار شده با آن مواجه بود، دخالت‌های دستگاه حکمرانی کرمان در امور عدلیه بود. دامنه این دخالت‌ها چنان گسترده بود که در اواخر سال ۱۳۳۴ ق عدلیه کرمان تعطیل شد. پرونده‌ها توسط کمیسیونی به نام «کمیسیون عدلیه» که شاهزاده نصرت‌الدوله والی کرمان تشکیل داده بود رسیدگی می‌شد. او افرادی را مأمور رسیدگی به پرونده‌ها کرده بود. این امر موجب شده بود اداره عدلیه عملاً به حاشیه رانده شود و کسی تمایلی به ریاست عدلیه نداشته باشد. نصرت‌الدوله مراجعه به عدلیه را قدغن کرده بود. دخالت‌های حاکم تا آنجا پیش رفت که جلال‌الملک رئیس عدلیه کرمان به کنسول انگلیس در کرمان مراجعه کرد و پیشنهاد کرد که علما و تجار شهر را گرد آورند و تصمیم بگیرند که اگر نیازی به عدلیه نیست عدلیه را از کرمان برچینند. پیشنهادی که کنسول انگلستان با آن موافقت نکرد. (یادداشت‌های هفتگی کنسولگری دولت فخریه بریتانیا، کرمان، شماره ۲۵-۲۶، هفته منتهی به ششم اوگوست ۱۹۱۷ [۱۸ شوال ۱۳۳۵ ه.ق/۱۵ مرداد ۱۲۹۶]، ۴۳۷- پاراگراف مرج: ۴۲۴).

دخالت‌های حکمرانی کرمان نه تنها دست‌وپای عدلیه را در رسیدگی به دعاوی عادی بسته بود، بلکه مانع از رسیدگی به شکایاتی می‌شد که علیه دستگاه حکمرانی کرمان طرح می‌شد. در این موارد شاکیان یا به تهران مسافرت کرده و عرایض خود را به تهران می‌بردند و یا از طریق تلگراف

از منابع محدود عدلیه کرمان نمود داشت. اعمال نفوذ در روند دادرسی‌ها و توصیه‌پذیری در انتصاب‌ها از سایر فسادهای عدلیه کرمان بود («مکتوب اداره محاسبات وزارت مالیه به اداره خزانه‌داری کل درباره عایدات عدلیه کرمان»، تاریخ نامه ۱۲۹۷/۲/۳، سازمان اسناد ملی ایران). برای نمونه، صارم‌السلطان، یکی از رؤسای عدلیه کرمان، از سوی برخی از علمای کرمان متهم به دریافت رشوه شد. آن‌ها در گزارشی نوشتند که «او از منافع کلی فایده برده است و ده یک آن‌ها را در محاسبات عدلیه کرمان نیآورده است و حالیه هم اغلب کارهای عمده را در خارج می‌گذراند و مطلقاً نه در عدلیه مطرح می‌شود. بعلاوه بر حقوق دیوانی، منافع کلی رشوه و تعارف از هر کس گرفته است که اسامی هر یک معین است و چنانچه پای حساب و مواخذه به میان آمد، صورت تقدیم خواهد شد و حالیه هم کما فی السابغ مشغول رشوه گرفتن و بی‌قانونی است» («رپورتی از کرمان»، در مجموعه اسناد «مکاتبات و تلگرافات عدلیه اصفهان، یزد و کرمان»، شناسه سند: ۲۹۸/۰۸۹۰۵۶، ۱۳۲۸ ق، سازمان اسناد ملی ایران). آش چنان شور شده بود که در محاکم عرف پیش از مشروطه، تماشاچیان اجتماع می‌کردند که چه مبلغ پول لازم است که شاکی به حاکم بپردازد تا مرافعه را به نفع او تمام کند (سایکس، ۱۳۹۵: ۲۴۲). پس از مشروطیت نیز به دلیل اختلال در پرداخت مواجب، کمتر قاضی و رئیس محکمه‌ای بود که بتواند از دریافت رشوه مصون بماند (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۵۷: ۲۱/۱).

دگرگونی مرجعیت قضایی در کرمان

مرجعیت محاکم عرف در دوره پیش از انقلاب مشروطیت در ایالات با والی ایالت بود. تمامی مناصب قضایی کرمان نیز — نایب‌الحکومه، داروغه، کلانتر و کدخدا — تحت نظر والی به دادرسی می‌پرداختند. والی منصوب پادشاه قاجاریه بود. بنابراین محاکم عرف تجلی اراده و اقتدار حکومت در امر دادرسی و جلوه‌ای از برقراری عدالت به شمار می‌رفت. در نتیجه قدرت سلطان، مرجع محاکم عرف در ایالات بود که از طریق والیان و منصوبان او دادرسی را پیش می‌بردند.

عریضه‌هایشان را مستقیماً به رئیس‌الوزرا و یا به وزارت داخله می‌فرستادند (برای نمونه نک: «سواد تلگراف عریضه حاجی امین به مقام منبع نخست‌وزیر»، ۱۳۳۶ ه.ق، نمره تلگراف: ۳۶۵، سازمان اسناد ملی ایران، شماره ردیف: ۲۹۳۰۰۳۰۷۵، محل در آرشیو: ۷۳۰ ع ۲ ب الف ۱).

افزون بر دخالت‌های حکمرانی، کنسول‌های انگلستان و روسیه نیز یکی از موانع امور عدلیه در کرمان بودند که دخالت‌هایشان محدودیت‌هایی برای اختیارات آن ایجاد می‌کرد. این امر از دو مسئله ناشی می‌شد: اول، نفوذ دو قدرت روسیه و انگلستان در ایران عهد قاجار خصوصاً پس از قرارداد ۱۹۰۷ م. ۱۳۲۵ ق و دوم، حق کاپیتولاسیون که در قرارداد ترکمانچای به روسیه اعطا شده بود. کاپیتولاسیون موجب شده بود کنسول‌ها در امر دادرسی در ایالات و ولایات فعال مایشاء باشند و محاکمات اتباعشان را خودشان انجام بدهند. اما، مسئله زمانی بغرنج می‌شد که بر اساس سنت بست‌نشینی در ایران، برخی از افرادی که در محاکمات عدلیه محکوم و یا در آستانه محکومیت بودند به کنسول‌گری‌ها مراجعه می‌کردند و در آنجا بست‌نشینی می‌شدند تا از طریق قدرت کنسول‌ها رأی محکمه را به نفع خود تغییر دهند.

۳. انقلاب مشروطیت و دگرگونی‌های عدلیه کرمان

قیاس محاکم دوگانه شرع و عرف کرمان در عهد پیش از مشروطه با عدلیه نوین کرمان در دوره پس از مشروطه حکایت از دگرگونی‌هایی در تشکیلات قضایی کرمان دارد. دگرگونی‌های یاد شده غالباً در محاکم عرف بود. آن تغییرات در برخی از بخش‌ها پر دامنه بود و در بخش‌هایی نیز انقلاب مشروطیت نتوانست تغییری درخور ملاحظه ایجاد کند. محاکم شرع با کمترین تغییر مواجه شدند و پس از انقلاب مشروطیت با ساختار پیشین ادامه حیات دادند. در ابعاد و دامنه فساد در محاکم شرع و عرف نیز تغییر محسوسی ایجاد نشد و فساد همچنان تداوم یافت. فساد در شکل‌ها و در سطوح مختلف در عدلیه نوین کرمان وجود داشت. رایج‌ترین شکل فساد، فساد مالی بود که در دریافت رشوه و اختلاس

بر این مبنا، سلسله‌مراتب قضایی در ایالت کرمان بدین ترتیب صورت‌بندی می‌شد: پادشاه قاجار والی کرمان نایب‌الحکومه داروغه، کلانتر و کدخدا.

انقلاب مشروطیت این صورت‌بندی را دگرگون کرد. با استقرار نظام مشروطیت و بر اساس قانون اساسی و متمم قانون اساسی، نهاد پادشاهی، دست‌کم در عرصه نظر، به نهادی نمادین تبدیل شد. پادشاه قاجار مرجعیت سیاسی را از دست داد و با توزیع و تفکیک قدرت، بخش قابل‌ملاحظه‌ای از قدرت به دو نهاد دولت و مجلس شورای ملی واگذار گردید. امور اجرایی به دولت واگذار شد. هرچند پیشنهاد رئیس‌الوزراء و تأیید حکم او از طرف پادشاه بود، اما پس از انتخاب کابینه، رئیس‌الوزراء عملاً در امور اجرایی بسط ید داشت. با این دگرگونی، وزارت عدلیه به‌عنوان بخشی از دولت، مسئولیت امور قضایی را عهده‌دار شد و پس از انقلاب مشروطیت مرجعیت قضایی یافت و محاکم عرف را در اختیار گرفت. تشکیلات عدلیه ایالات نیز تحت اداره وزارت عدلیه اعظم قرار گرفت.

با تغییرات یاد شده که پس از انقلاب مشروطیت در ساختار حکومت رخ داد، تشکیلات قضایی ایالات نیز دگرگون شد. اگر تا پیش از انقلاب مشروطیت والی ایالت به‌عنوان عالی‌ترین مقام حکومت که منصوب پادشاه بود قدرت قضایی را در ایالت در اختیار داشت، پس از انقلاب مشروطیت و با دگرگونی در قدرت پادشاه در ساختار جدید، بالاترین مقام قضایی ایالت، رئیس عدلیه بود که از طرف وزیر عدلیه منصوب می‌شد که او خود منصوب رئیس‌الوزراء بود. هرچند حکم رئیس‌الوزراء را شاه امضاء می‌کرد اما این به معنای حکمرانی پادشاه نبود بلکه سلطان مشروطه سلطنت می‌کرد و حق حکومت نداشت. بنابراین، در صورت اقدام به اثرگذاری، فرایند تأثیرگذاری او باید از طریق دولت و وزارت عدلیه انجام می‌شد که درباره کرمان شاهدی بر این مسئله موجود نیست.

بررسی مرجعیت قضایی ایالت کرمان در دوره پیش و پس از مشروطیت مؤید دگرگونی یاد شده است. از صدر قاجاریه تا انقلاب مشروطیت سی‌وهفت والی در کرمان

حکمرانی کردند. آنان از شاهزادگان قاجاری و یا از رجال عالی‌رتبه دیوانسالاری قاجاریه شمرده می‌شدند (احمدی کرمانی، ۱۳۵۴: ۱۷۱-۳۴). براساس نظم پیش از مشروطیت، تمامی آنان مسئولیت محکمه عرف را بر عهده داشتند و همه آنان منصوب پادشاهان قاجار بودند. پس از مشروطیت مسئولیت تأسیس و اداره تشکیلات عدلیه کرمان با شیخ‌الملک سیرجانی، صارم‌السلطان، آصف‌الممالک، غلامحسین‌خان عدالت‌السلطنه، جلال‌الملک و میرزا عبدالرحیم‌خان رهنما بوده است. همه رؤسای یاد شده منصوب وزیر عدلیه بودند (سازمان اسناد ملی ایران، محل در آرشیو: ۰۸۸۲۸۳/۲۹۸؛ سازمان اسناد ملی ایران، محل در آرشیو: ۰۸۹۰۵۶/۲۹۸؛ همان مجموعه، «رپورتی از کرمان»، ۷ شوال ۱۳۲۸ ه.ق؛ همان مجموعه، نامه بحرالعلوم کرمانی؛ تعرفه پرداخت حقوق غلامحسین‌خان عدالت‌السلطنه ریاست عدلیه کرمان و آذربایجان، سازمان اسناد ملی: سند شماره ۵۱۰ گ ۲ الف الف ۱).

تغییر ساختار عدلیه کرمان

با تأسیس عدلیه نوین در کرمان، در ساختار جدید پس از رئیس و معاون او چهار دادگاه تخصصی - صلحیه، بدایت، جنایی و استیناف - وجود داشت که امر دادرسی را انجام می‌دادند. تشکیلات جدید بخش اجرایی نیز داشت که جایگزین منصب کلانتر در دوره پیش از انقلاب مشروطیت شده بود که احکام را به اجرا می‌گذاشت. برخلاف پیش از مشروطیت که والی - رئیس محکمه عرف - قاضی و مجری حکم بود، در ساختار جدید رئیس عدلیه کرمان فاقد قدرت مؤثر در روند دادرسی و صدور حکم بود. هرچند مداخله رؤسای عدلیه در برخی از پرونده‌ها مشهود بود، اما این موارد قاعده نبود. بنابراین کاهش قدرت رئیس عدلیه کرمان در روند دادرسی به یک معنا به مفهوم کاهش قدرت والی، و در سلسله‌مراتب فرادست، به معنای کاهش اثرگذاری نهاد سلطنت در روند دادرسی‌ها بود.

افزون بر آن، در تشکیلات عدلیه نوین کرمان بوروکراسی - هرچند ابتدایی - نیز ایجاد شد که پیش از مشروطیت وجود

عریضه‌نویسی ارجاع به اتاق تمبر ارجاع به دفتر رئیس عدلیه بررسی اولیه ارجاع پرونده به بخش اجرائیه جهت احضار متشاکی احضار متشاکی ارجاع به محکمه بدویه تعیین هیئت تحقیق تعیین زمان دادرسی پس از انجام تحقیق تشکیل دادگاه احضار شهود در صورت لزوم صدور حکم بدوی در صورت اعتراض ارجاع به محکمه استیناف ابلاغ حکم نهایی به طرفین ارجاع به بخش اجرائیه برای اجرای حکم (همان: ۸۹-۸۶). شکل‌گیری چنین ترتیبی برای دادرسی محصول عدلیه نوین بود و پیش از مشروطیت روند دادرسی گاه در کمتر از یک ساعت انجام و حکم به اجرا درمی‌آمد.

تغییر دیگری که در ترتیبات دادرسی ایجاد شد، حضور «وکیل عدلیه» در روند دادرسی بود. در سال ۱۳۲۸ ق/۱۲۸۹ش «انجمن وکلا» در کرمان تأسیس شد (مستوفی کرمانی، ۱۳۹۳: ۴۳). اعضای آن اغلب کسانی بودند که پیش از مشروطیت در محاکم شرع به‌عنوان محرر اشتغال داشتند و پس از مشروطیت عنوان «وکالت عدلیه» بر خود گذاشتند (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۵۷: ۲۲/۱). آن‌ها در روند دادرسی در مرحله تشکیل دادگاه حضور می‌یافتند و در صورت ضرورت احضار شهود را از ریاست دادگاه خواستار می‌شدند (کرمانی، ۱۳۰۸: ۸۸).

اطالۀ دادرسی همزاد تشکیلات عدلیه نوین کرمان بود که پیش از مشروطیت سابقه نداشت و از دگرگونی‌ها و همچنین آسیب‌های جدی در روند دادرسی در عدلیه نوین کرمان بود. گاه برخی از پرونده در پیچ‌وخم دخالت‌های بی‌وجه ده سال به‌طول می‌انجامید (همان: ۸۷). این امر، علاوه بر طرفین دعوا، موجب اعتراض وزارت داخله و وزارت عدلیه اعظم نیز شده بود. وزارت داخله در شهریور ۱۳۰۴ ش در نامه‌ای به وزارت عدلیه اعلام می‌کند که «از تیر ماه پانزده فقره دوسیه مجرمین را به عدلیه محول کرده تاکنون تکلیفی برای آن‌ها معین نشده است.» و خواستار «تعلیمات لازمه به عدلیه کرمان» می‌شوند تا «تکلیف مجرمین را تعیین نمایند» (نامه وزارت داخله به وزارت عدلیه، ۹ شهریور ۱۳۰۴، شماره نامه ۲۸۷۴، در مجموعه

نداشت. از جمله اتاق «عریضه‌نویسی» تشکیل شد که شُکات در ابتدای ورود باید به آن مراجعه می‌کردند (کرمانی، ۱۳۰۸: ۹). در کنار اتاق عریضه‌نویسی، اتاق دیگری وجود داشت که «اتاق تمبر» بود. شاکی پس از نوشتن عریضه باید به عریضه‌اش تمبر می‌زد. پس از اتاق تمبر، «دفتر» بود که در دفتر، پرونده تشکیل می‌شد و پس از تشکیل پرونده، به اتاق ریاست عدلیه ارجاع می‌شد (همان: ۲۱). بدین ترتیب پایه‌های ترتیبات اداری در تشکیلات عدلیه در کرمان گذاشته شده بود.

حضور مستقیم و غیرمستقیم علما در تشکیلات عدلیه نوین نیز دگرگونی دیگری بود که در تشکیلات قضایی کرمان ایجاد شد. تا پیش از انقلاب مشروطیت انحصار محاکم شرع در اختیار علما بود. آنان در محاکم عرف حضور نداشتند. از قضا در اجرای حکم نیازمند والی بودند. پس از انقلاب مشروطیت علاوه بر آن‌که جایگاه پیشین را در محاکم شرع حفظ کردند در عدلیه نوین هم که نماد محکمه عرف بود حضور یافتند. در محکمه بدایت و محکمه استیناف عضویت یک فقیه الزامی بود. در ترتیبات اداری تشکیلات نوین نیز عریضه‌نویس‌های محاکم از منصوبان علمای کرمان بودند (همان‌جا). بدین ترتیب، هم در مرحله اداری و هم در مرحله دادرسی و صدور حکم حضور علما در محاکم عرف ملموس بود. برای نمونه، فقیه محکمه بدایت کرمان در سال ۱۲۹۷ ه.ش میرزا علی محمد کرمانی (مجدالاسلام کرمانی، ۱۳۰۸: ۲۴) و در همان سال فقیه محکمه استیناف کرمان آقا سید جواد بود («صورت اعضا و اجزاء عدلیه کرمان ۱۳ حوت ۱۲۹۷»، اسناد دفتر وزارت مالیه، سازمان اسناد ملی ایران).

تغییر ترتیبات دادرسی در عدلیه کرمان

دادرسی‌ها در عدلیه نوین در قیاس با دادرسی‌های تشکیلات قضایی کرمان در دوره پیش از مشروطیت از چهار منظر دچار دگرگونی شد. دگرگونی نخست در روند بررسی پرونده‌ها بود که با ترتیبات اداری همراه شد و به ترتیب بدین صورت انجام می‌شد: مراجعه شاکی به عدلیه

«بررسی استینافی توقیف اشخاص تحویل عدلیه کرمان توسط نظمی»، سازمان اسناد ملی ایران، محل در آرشیو: (۲۹۸۸۹۶۵۸).

تغییر در منابع مالی عدلیه کرمان

تشکیلات قضایی کرمان تا پیش از انقلاب مشروطیت منابع مالی مشخص نداشت. این امر ناشی از این بود که محکمه عرف فاقد تشکیلات اداری بود و حکمرانی کرمان محکمه عرف شناخته می‌شد. قضاوت از وظایف حکمران بود. بنابراین او به موازات انجام سایر وظایف، دادرسی نیز انجام می‌داد، و به نظر می‌آید حقوق وی به‌عنوان قاضی در موجب کلی او سرشکن و پرداخت می‌گردید. احتمالاً این امر درباره سایر مناصب نیز که در امر دادرسی نقش داشتند صادق بود. وجود چنین رویه‌ای نیاز به منابع مالی برای دادرسی را از حیز انتفاع ساقط کرده بود.

با تأسیس عدلیه نوین و تثبیت بودجه‌بندی در ساختار اداری کشور که بر اساس قانون اساسی مشروطه باید به تصویب مجلس می‌رسید و نیز به دلیل انتقال مرجعیت قضایی از نهاد سلطنت به نهاد دولت، تشکیلات جدید برای دادرسی نیازمند منابع مالی بود. بر این مبنا، وزارت عدلیه از بودجه سالانه منابع مورد نیاز را دریافت می‌کرد و بخشی از آن را برای عدلیه ایالات اختصاص می‌داد. عدلیه کرمان نیز پس از انقلاب مشروطیت دارای بودجه شد و سالانه مبلغی بابت هزینه‌ها به آن تخصیص می‌یافت که مقدار آن در سال نخست سی‌وشش هزار تومان بود که با این مبلغ باید حقوق شصت‌وچهار نفر کارکنان عدلیه ایالت پرداخت می‌شد و کسری بودجه از محل فروش تمبر تأمین می‌شد (مجدالاسلام کرمانی، ۱۳۰۸: ۲۱) جزئیات پرداخت‌ها جز در مواردی معدود مشخص نیست. برای نمونه، می‌دانیم در سال ۱۳۳۷ ق مدعی‌العموم استیناف کرمان یکصد و بیست تومان دریافت می‌کرده است (مکتوب اداره محاسبات کل وزارت مالیه به وزارت جلیله عدلیه درباره حقوق فتح‌الدوله مدعی‌العموم استیناف کرمان، سازمان اسناد ملی ایران)

به‌نظر می‌آید برای نخستین‌بار در سال ۱۳۳۷ ق/۱۲۹۵ ش و ده سال پس از تأسیس عدلیه نوین در کرمان آن تشکیلات دارای بودجه مشخص شده است. چون در مکتوبات وزارت مالیه از «بودجه مصوب» برای عدلیه کرمان سخن به میان آمده است که حقوق اعضا و اجزاء عدلیه کرمان باید از آنجا پرداخت شود که نزد خزانه‌داری کل وزارت مالیه بود (مکتوب اداره محاسبات کل وزارت مالیه به وزارت جلیله عدلیه درباره میرزا جلال خان رئیس شعبه بدایت کرمان، ۲۸ دلو ۱۲۹۷، سازمان اسناد ملی ایران). تا پیش از تصویب بودجه برای عدلیه کرمان، درآمدهای این نهاد، از محل دریافت هزینه‌های دادرسی که محکوم باید عشر مدعابه را به بخش اجرائیه عدلیه پرداخت می‌کرد و بخش اجرائیه آن را به دفتر صندوق عدلیه تحویل می‌داد، و همچنین از محل فروش تمبر بود (کرمانی، ۱۳۰۸: ۲۱). درآمدهای حاصل از هزینه‌های دادرسی و فروش تمبر در دفتر صندوق عدلیه نگهداری می‌شد و برای امور جاری و نیز پرداخت حقوق کارمندان عدلیه که در اواخر دوره قاجار تعدادشان به شصت‌وچهار نفر افزایش یافته بود، پرداخت می‌گردید (فلور و بنانی، ۱۳۹۰: ۷۱).

نتیجه‌گیری

تشکیلات قضایی کرمان در عهد قاجاریه بر اساس تشکیلات قضایی مرسوم - محاکم شرع و عرف - که با تفاوت‌هایی اندک در سراسر ممالک محروسه وجود داشت، پایه‌گذاری شده بود. از عهد ناصری تغییرات و اصلاحاتی در نظام کهن قضایی ایران صورت پذیرفت که اغلب نافرجام بود. آن تغییرات و اصلاحات به تهران محدود نشد و به ایالات نیز گسترش یافت، و در کرمان نیز دگرگونی‌هایی در تشکیلات قضایی ایجاد شد، اما نتیجه درخور اعتنائی حاصل نشد. نافرجام بودن اصلاحات قضایی در عهد قاجار سبب شد تا نیروهای مشارکت‌کننده در انقلاب مشروطیت یکی از نخستین مطالباتشان تأسیس عدالتخانه در ایران باشد. با وقوع انقلاب مشروطیت و

یافت. افزون بر آن، با برپایی تشکیلات عدلیه اعظم، نسخه کوچک‌تر آن در ایالات نیز تأسیس شد. بدین ترتیب با تأسیس عدلیه نوین، ساختار تشکیلات قضایی کرمان نیز دگرگون شد. ساختار جدید، ترتیبات دادرسی تازه‌ای می‌طلبد که تصویب شد و در کرمان نیز به اجرا درآمد. تشکیلات نوین همچنین برای اجرای دادرسی نیازمند منابع مالی بود که با دگرگونی در بودجه‌بندی کشور این منابع هرچند با تأخیر به عدلیه کرمان نیز تخصیص یافت. با وجود دگرگونی‌های یاد شده، تشکیلات عدلیه کرمان در بخش محاکم شرع تغییر نیافت، فساد در عدلیه همچنان تداوم یافت، و در ترتیبات دادرسی اطلاع دادرسی به معایب تشکیلات کهن افزوده شد. به‌رغم تداوم در سه وجه اخیر، نسیم انقلاب مشروطیت به تشکیلات عدلیه کرمان وزیده بود.

تغییر در ساختار قدرت و دگرگونی در دیوانسالاری، تشکیلات عدلیه نیز از نظم جدید تأثیر پذیرفت و تغییراتی در آن به وجود آمد. به موازات دگرگونی در تشکیلات کلان قضایی، عدلیه ایالات نیز دچار دگرگونی شد و کرمان از نخستین ایالت‌هایی بود که عدلیه نوین در آن تأسیس و نظم جدید پایه‌ریزی شد.

دگرگونی عدلیه کرمان در تداوم و متأثر از دگرگونی‌هایی بود که پس از انقلاب مشروطیت در ساختار قدرت و دیوانسالاری ایران ایجاد شد. با تبدیل نهاد سلطنت به نماد و کاهش قدرت پادشاه، مرجع حکمرانان ایالات از پادشاه به وزارت داخله که تحت نظر دولت بود تغییر یافت و بدین ترتیب قدرت پادشاه در دیوان‌های دولت توزیع شد. با تغییر مرجعیت قضایی از پادشاه به دولت، مرجعیت تشکیلات قضایی کرمان نیز از حکمران به رئیس عدلیه تغییر

منابع

- احمدی کرمانی، شیخ بیحی (۱۳۵۴). فرماندهان کرمان، تصحیح و تحشیه محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران، موسسه انتشارات دانش.
- اردلان، امان‌الله (۱۳۸۳). خاطرات حاج عزالممالک اردلان: زندگی در دوران شش پادشاه، تنظیم و تحشیه باقر عاقلی، تهران، نشر نامک.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۸۲). هزارستان، تهران: انتشارات علم.
- (۱۳۷۰). هشت الهفت، تهران: انتشارات ارغوان.
- پورحسین چراغی، رضا (۱۳۹۶). «نظام قضایی در عصر ناصری با تأکید بر صندوق عدالت و کارکرد آن»، مجله تاریخ روایی، س ۲، ش ۵، صص ۱۰۱-۸۸.
- رساله کاتب کرمانی (۱۳۸۶). تصحیح و تحشیه، محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: نشر علم.
- سایکس، ال‌کنستنس (۱۳۹۵). سراسر ایران بر پشت اسب، ترجمه محمدعلی مختاری اردکانی، کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- سپهر، عبدالحسین خان (۱۳۸۶). مرآت‌الوقایع مظفری، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۶.
- صنعتی‌زاده کرمانی، عبدالحسین (بی‌تا). روزگاری که گذشت، به‌کوشش سید محمدعلی گلاب‌زاده، کرمان: انتشارات مرکز کرمان‌شناسی.
- طیبی، سید محمد (۱۳۸۸). نظام قضایی و آیین دادرسی ایران (از افشاریه تا انقلاب مشروطه)، کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- فرمانفرما، فیروزمیرزا (بی‌تا). سفرنامه کرمان و بلوچستان، تصحیح منصوره اتحادیه، تهران: انتشارات بابک.
- فلاح توتکار، حجت (۱۳۸۸). «عدالتخانه دولتی: وزارت عدلیه یا مجلس شورای ملی»، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران، س ۱۹، ش ۱، پیاپی ۷۵، صص ۱۲۴-۱۱۱.
- فلور، ویلم؛ بنانی، امین (۱۳۹۰). نظام قضایی عصر قاجار و پهلوی، ترجمه حسن زندیه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کرمانی، ناظم‌الاسلام (۱۳۵۷). تاریخ بیداری ایرانیان، به‌اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- کرمانی، مجدالاسلام (۱۳۰۸). شهر خاموشان یا اوضاع عدلیه سابق، بی‌جا، ناشر م. مجدزاده.
- مستوفی کرمانی، مصطفی‌خان (۱۳۹۳). بن‌بست مستوفی: خاطرات میرزا مستوفی‌خان مستوفی کرمانی، تصحیح و تحشیه علی جمیل کرمانی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری استان کرمان.
- نیک‌پور، مجید (۱۳۸۳). نام‌آوران علم و اجتهاد کرمان: از قاجاریه تا پهلوی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران با همکاری مرکز کرمان‌شناسی.

- وزیر، احمدعلی‌خان (۱۳۹۳). تاریخ کرمان، تصحیح و تحشیه محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: انتشارات علم.
- (۱۳۸۳). جغرافیای کرمان به ضمیمه رساله دهات کرمان، تصحیح و تحشیه محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: انتشارات علم.
- همت کرمانی، محمود (۱۳۵۵). شهر شش دروازه، تهران: بی‌نا.

اسناد

- بررسی استینافی توقیف اشخاص تحویل عدلیه کرمان توسط نظمیه، سازمان اسناد ملی ایران، محل در آرشیو: ۲۹۸۸۹۶۵۸.
 - تأمین مجلدات قانونی وزارت عدلیه با توزیع در بلوچستان و کرمان، سازمان اسناد ملی ایران، محل در آرشیو: ۲۹۸۸۹۰۸۹.
 - تعرفه پرداخت حقوق غلامحسین‌خان عدالت‌السلطنه ریاست عدلیه کرمان و آذربایجان، سازمان اسناد ملی: سند شماره ۵۱۰ گ ۲ الف الف.
 - تلگراف از کرمان به طهران، سازمان اسناد ملی ایران، محل در آرشیو: ۲۹۸/۰۸۹۰۵۶.
 - راپورتی از کرمان، سازمان اسناد ملی ایران، محل در آرشیو: ۲۹۸/۰۸۹۰۵۶.
 - رقم عضدالملک نایب‌السلطنه؛ انتصاب میرزا حسن‌خان شیخ‌الملک به ریاست عدلیه و تجارت فارس، تاریخ رقم: شعبان ۱۳۲۷ ه.ق، محفوظ در: آرشیو شخصی آقای مجید نیک‌پور.
 - سواد تلگراف عریضه حاجی‌آمین به مقام منبع نخست‌وزیر، ۱۳۳۶ ه.ق، نمره تلگراف: ۳۶۵، سازمان اسناد ملی ایران، محل در آرشیو: ۲۹۳۰۰۳۰۷۵.
 - سواد مراسله امنیه به اداره عدلیه کرمان، ۲۹ ثور، سازمان اسناد ملی ایران، محل در آرشیو: ۲۹۳۰۰۳۰۷۵.
 - کتابچه اسناد امور کرمان و بلوچستان در دوره حکومت ناصرالدوله، مجموعه آلبوم‌های بیوتات سلطنتی، سازمان اسناد ملی ایران: آلبوم شماره ۲/۵۱۷.
 - کتابچه اسناد امور کرمان و بلوچستان در دوره حکومت ناصرالدوله، از مجموعه آلبوم‌های بیوتات سلطنتی، سازمان اسناد ملی ایران: آلبوم شماره ۲۲۴/۷.
 - گزارش تخریب عدلیه کرمان، سازمان اسناد ملی ایران، محل در آرشیو: ۲۹۸ / ۰۸۸۲۸۳.
 - لایحه کسب تکلیف عدلیه کرمان از وزارت عدلیه، مجموعه مکاتبات و تلگرافات عدلیه اصفهان، یزد و کرمان، سازمان اسناد ملی ایران، محل در آرشیو: ۲۹۸/۰۸۹۰۵۶.
- مکتوب اداره محاسبات کل وزارت مالیه به وزارت عدلیه درباره میرزا جلال‌خان رئیس شعبه بدایت کرمان، سازمان اسناد ملی ایران، محل در آرشیو: ۲۹۸/۰۸۹۰۵۶.
 - نامه وزارت عدلیه عظمی به جناب عمده‌الامرا العظام وکیل‌الملک، ۱۲۹۵ ه.ق، سازمان اسناد ملی ایران.
 - نامه انجمن ایالتی کرمان به وزارت داخله، سازمان اسناد ملی، محل در آرشیو: ۸۲۲ ط ۱ ب آ.
 - نامه بحرالعلوم کرمانی، سازمان اسناد ملی ایران، محل در آرشیو: ۲۹۸/۰۸۹۰۵۶.
 - نامه دیوانخانه عدلیه کرمان به وزارت عدلیه، شماره نامه: ۴۴۷، سازمان اسناد ملی ایران، محل در آرشیو: ۲۹۸ / ۰۸۸۲۸۳.
 - نامه وزارت عدلیه به صارم‌السلطان، شماره نامه ۳۴۳۴، سازمان اسناد ملی ایران، محل در آرشیو: ۲۹۸/۰۸۹۰۵۶. نامه بحرالعلوم کرمانی
 - نامه وزارت داخله به وزارت عدلیه، ۹ شهریور ۱۳۰۴، شماره نامه ۲۸۷۴، در مجموعه «بررسی استینافی توقیف اشخاص تحویل عدلیه کرمان توسط نظمیه»، سازمان اسناد ملی ایران، محل در آرشیو: ۲۹۸۸۹۶۵۸.
 - یادداشت‌های هفتگی کنسولگری دولت فحیمه بریتانیا، کرمان، شماره ۲۵-۲۶، هفته منتهی به ششم اوگوست ۱۹۱۷ [۱۸ شوال ۱۳۳۵ ه.ق/۱۵ مرداد ۱۲۹۶].

روزنامه‌ها

- روزنامه ایران، دوشنبه ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۲۸۸، ش ۸۱؛ یکشنبه، ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۳۰۷، ش ۷۰۴.
- روزنامه دولت علیّه ایران، پنجشنبه، ۹ جمادی‌الاول ۱۲۷۷، ش ۴۷۹.
- روزنامه وقایع اتفاقیه، پنجشنبه، ۲۸ شوال ۱۲۶۹، ش ۱۳۱؛ ۲۹ صفر ۱۲۷۰، ش ۱۴۸؛ ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۲۷۰، ش ۱۶۳.